

تطبیق محتوایی دو واژه منظر و لندسکیپ^۱

سیدحسن تقوائی^۲

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: معماری منظر، معنی‌شناسی، منظر، لندسکیپ، باغ‌سازی.

چکیده

بیش از یک دهه از طرح جدی موضوع «منظر» در محافل دانشگاهی و حرفه‌ای ایران می‌گذرد و این واژه، کماکان و به طور فزاینده، در متون تخصصی فارسی معماری، برنامه‌ریزی، طراحی شهری، و به‌ویژه معماری منظر استفاده می‌شود. در این مدت اگرچه منظر بیشتر به جای لندسکیپ به کار رفته است، اما به‌ندرت به معنی‌شناسی، روا بودن واژه، تطبیق محتوایی واژه‌ها، و نهایتاً بررسی جنبه‌های مفهومی متأثر از زمینه‌های فرهنگی و محیطی واژه‌ها توجه شده است. ضرورت توجه به این مسئله در حالی است که با وجود دانش ضمنی طراحی محیطی و آموزه‌های باغ ایرانی، یعنی ریشه‌های مهم معماری «منظر» در سرزمین ایران، به‌روشنی با کمبود پژوهش‌های بنیادی و تألیف متون فارسی تخصصی در زمینه معماری منظر نیز مواجهیم. هدف در این مقاله عرضه نتایج تطبیق محتوایی دو واژه «منظر» و «لندسکیپ» و به‌ویژه مقایسه آن‌ها از نظر چگونگی سازگاری معنی و مفهوم است. در این مورد، توجه به فعالیت‌های شناخته‌شده کنونی، در حوزه‌های تخصصی مطرح‌شده، بسیار اهمیت دارد.

بدین ترتیب، روش کار مبتنی بر معنی‌شناسی منظر و لندسکیپ در متون تخصصی فارسی و انگلیسی و نیز تحلیل محتوای دیدگاه‌های مطرح‌شده در این زمینه است. یافته‌ها نیز در بر دارنده بعضی تعریف‌ها و جنبه‌های متمایز است و از نظر واژه‌شناسی، فرهنگ، و تاریخ و نیز چگونگی تعامل انسان- محیط اهمیت دارند. بنا بر این، با توجه به شرایط موجود آموزشی- پژوهشی و فعالیت‌های حرفه‌ای که با موضوع معماری منظر و نیز طراحی منظر در ایران انجام می‌شود، نتایج این مطالعه تطبیقی می‌تواند به انجام پژوهش‌های آتی مرتبط با موضوع به‌ویژه در زمینه تاریخ و مبانی نظری معماری منظر کمک کند.

مقدمه

در مبحث تعامل بین انسان، محیط، و بوم، نکته مهم تاریخ چگونگی تأثیرگذاری انسان بر محیط، بستر زیستی، و به‌ویژه «منظر» پیرامون اوست. چگونگی تأثیرگذاری‌ها و تعاملات نیز رابطه‌ای معین با عوامل فرهنگی، تاریخی، و گروه وسیعی از دستاوردهای جامعه بشری دارد. این رابطه را نیز می‌توان با تأمل در تاریخ تمدن، میزان علاقه انسان به محیط طبیعی، و سیر تطور بینش و تفکر بشر درباره جلوه‌های هنر،

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب شورای پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی تحت عنوان «ماهیت و تعریف معماری منظر» است، که توسط نگارنده به اجرا درآمده.
2. h-taghvaei@sbu.ac.ir

پرسش‌های تحقیق

۱. محتوای مفهوم واژه‌های «منظر» و «لندسکیپ» چیست؟
۲. از دیدگاه معناشناسی، چه رابطه‌ای میان منظر و لندسکیپ وجود دارد؟

3. Landscape architecture

۴. نک: سیدحسین تقوائی، طراحی منظر بوم‌گرا در مناطق گرم و خشک ایران؛ الگوی واحه.

۵. لازم به ذکر است اساساً، در زمینه مبانی نظری و تعریف معماری منظر، متون تخصصی مرجع غیر فارسی نیز زیاد نیست. به‌علاوه نباید تلاش‌های اخیر برای ترجمه تعدادی از کتب مرجع مرتبط با منظر را نادیده گرفت.

6. Landscape

۷. لازم به ذکر است، دوره کارشناسی ارشد معماری منظر برای اولین بار در ایران با تلاش گروه معماری منظر دانشکده معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی و در سال ۱۳۷۹ تأسیس گردید.

۸. «یکی از نکات مهم، در انتخاب یک واژه فارسی برای یک لغت خارجی، توجه به جهات آواشناختی آن واژه است. در اینجا است که زبان‌شناسان می‌توانند به واژه‌گزینان کمک کنند و به آنان بگویند که ذوق و طبع مردم از حیث موسیقی کلمات به کدام آواها راغب‌تر است و چگونه باید از انتخاب واژه‌هایی، که به علت تنافر حروف یا ثقیل بودن تلفظ خوشایند مردم نخواهد بود، پرهیز شود و چه گونه باید به دخل و تصرف‌ها و جرح و تعدیل‌هایی که مردم، به مرور زمان، در تلفظ کلمات از حیث اعراب و تکیه و با قلب و ابدال و امثال آن روا می‌دارند عنایت شود. جنبه مهم دیگری، که در واژه‌گزینی اهمیت بسیاری دارد، دستور زبان است. سرانجام باید به معناشناسی اشاره شود که، غرض اصلی و غایت نهایی در واژه‌گزینی است. واژه‌ای»

صناعت، و زیبایی‌های طبیعت فهمید. همچنین، نتایج پژوهش‌ها و مطالعات درباره منظر نشان می‌دهد، زمینه‌های شکل‌گیری «معماری منظر»^۳ و اهداف کلی این رشته با وجوه مهم انسان، طبیعت، و معماری پیوندی عمیق دارد. وجوهی که، در بر دارنده خلاقیت‌ها، جلوه‌های هنر، بیان ارزش‌ها و باورهای انسانی، و عرضه‌کننده جلوه‌های گوناگون اسکان و «سیمای زیستگاه بشر»، در تاریخ زندگی در زمین بوده است.^۴

به‌رغم موارد فوق و نیز قدمت دانش ضمنی سامان‌دهی فضاهای باز و بیرون از کالبدهای معماری، دانش، و حرفه معماری منظر، به صورت کنونی خود، حاصل فعالیت‌ها و تجارب مشترک چند قرن اخیر در حوزه‌های گوناگون، همچون نقاشی، معماری، باغبانی، مهندسی مکانیک، علوم محیطی، و برنامه‌ریزی، است. با این حال، به دلیل سابقه و گستردگی حوزه عمل رشته معماری منظر در سطح جهان، تاکنون متون تخصصی مرجع بسیار اندکی، خصوصاً در موضوع مبانی نظری آن، منتشر شده است. توجه به این مسئله در ایران، که در آغاز تجربه دانش نوین معماری منظر و توسعه آن در حوزه‌های آکادمیک و حرفه‌ای است، به‌ویژه از نظر شناخت محتوای واژه «منظر» و نهایتاً تعریف «معماری منظر» اهمیت زیادی دارد.^۵

بر این اساس، زبان‌شناسی منظر و به‌ویژه واژه‌شناسی و مطالعه معنی و مفهوم آن در تطابق با لندسکیپ^۶ اهمیت زیادی دارد. زیرا در اغلب ترجمه‌های متون تخصصی به جای لندسکیپ از واژه‌های منظر، فضای سبز، سیمای زمین، و غیره استفاده شده است. این موضوع در حالی مطرح است که، همچنان در مورد نام هر فعالیت در زمینه‌های محوطه‌ها، فضاهای باز و سبزی، باغ‌سازی، و ایجاد پارک‌ها و فضاهای سبز در ایران، تفاوت و ابهام دیده می‌شود.^۷ به‌علاوه، از آنجا کاربرد واژه منظر رواج بیشتری داشته است، لزوم مطالعه تطبیقی دو واژه منظر و لندسکیپ همچنان احساس می‌شود. البته در این مورد، هنوز از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برابر نهاده‌ای برای لندسکیپ پیشنهاد نشده است، اما به نظر می‌رسد، می‌توان استفاده از واژه منظر و مقبولیت محتوای مفهوم آن را از نظر معنی لغوی، آواشناسی، خوشایندی تلفظ، و سازگاری نسبی محتوای مفهوم آن با لندسکیپ نیز توجیه کرد.^۸

هدف در این مقاله، بررسی محتوایی منظر و لندسکیپ، به‌ویژه معنی‌شناسی (semantics) یا ارتباط میان این دو واژه و معنایشان در

۱. معنی‌شناسی و تطبیق واژه‌ها

معنی‌شناسی علم مطالعه معنی (معنا)، برابر نهادۀ واژهٔ فرانسوی (sémantique) و برگرفته از لغت یونانی آن^{۱۰} است. در لغت‌نامه‌ها نیز به طور کلی بررسی ارتباط میان واژه و معنا را معناشناسی می‌گویند. به‌علاوه، در منطق، بررسی ارتباط میان نمادها و آنچه نمادها نشان می‌دهند را معناشناسی بیان می‌کنند. علم واژه‌شناسی معمولاً بر روی رابطه بین دلالت‌کننده‌ها مانند لغات، عبارات‌ها، علائم، و نشانه‌ها، و اینکه معانی‌شان برای چه استفاده می‌شود، تمرکز دارد. همچنین مفاهیم زبان‌شناسی و زبان‌شناسی معنایی بررسی معانی‌ای است که، انسان‌ها برای نشان دادن خودشان در طول زبان استفاده می‌کنند.

به عقیده برخی متخصصان زبان‌شناسی، «معناشناسی به بررسی و توصیف معنای واژه‌ها و جمله‌های زبان می‌پردازد، پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد و بیرون از حوزهٔ زبان‌شناسی مانند فلسفه و روان‌شناسی نیز مطرح بوده است. همچنین، واژه‌ها واحدهای منفرد معنایی به‌شمار می‌آیند و هر جنبه‌ای از معنای واژه نیز به صورت طرحی خاص از هنجارهای معنایی، در بافت‌های مناسب دستوری، نمود می‌یابد»^{۱۱}. همچنین، زبان‌شناسان معتقدند در واژه‌شناسی، باید معنای واژه را به طور کلی در دو لایهٔ معنای ادراکی یا مفهومی^{۱۲} و معنای متداعی یا ضمنی^{۱۳} در نظر گرفت. «معنای مفهومی بخش‌های اساسی و ضروری معنای واژه را در بر می‌گیرد و معنای ضمنی یا متداعی مانند هاله ای آن را فرا می‌گیرد»^{۱۴}.

علاوه بر لایه‌های معنایی مفهومی و متداعی، در معناشناسی، معنی نیز تنها آنچه از لفظ بر اساس قرارداد زبانی به طور عام فهمیده می‌شود نیست؛ بلکه حجم فراوانی از معنا هر نوع استنباط ضمنی و کنایی و تفسیری حاصل از تداعی‌های روانی خاص متناسب با فرهنگ گیرنده و فرستندهٔ پیام و یا تحلیل‌های دیگر است. به‌علاوه، معنایی که، در فرهنگ لغات در برابر واژه‌ها قرار دارد، اغلب متضمن دلالت صریح واژه‌های مزبور به‌شمار

متون تخصصی معماری منظر، فرهنگ لغات، و دیگر منابع مرتبط با اصول واژه‌شناسی^{۱۵} است. بدین ترتیب، با فرض سازگاری نسبی مفهوم منظر و لندسکیپ، روش کار پژوهش متکی بر دو وجه معنی صریح و اصلی واژه و نماد (denotative meaning) و معنی ضمنی-تلویحی یا هیجانی واژه و نماد (connotative meaning) است. به‌علاوه، بررسی آن‌ها از نظر تبیین تداعی‌های مشترک و با توجه فعالیت‌های مترتب بر آن‌ها است. این تطبیق و بررسی تعریف‌ها و معانی لفظی منظر و لندسکیپ نیز با توجه به هر دو زمینهٔ فرهنگی مشرق‌زمین (ایران) و مغرب‌زمین، و تحلیل محتوی دیدگاه‌های مطرح‌شده در این زمینه صورت گرفته است.

بنا بر این، ساختار این مقاله و عرضهٔ نتایج یافته‌های این پژوهش، در مورد معنی‌شناسی واژه‌های منظر و لندسکیپ و چگونگی سازگاری مفهوم آن‌ها و دارای دو بخش اصلی است. این بخش‌ها نیز با عناوین معنی صریح و معنی ضمنی مطرح می‌شود و در مجموع متکی بر اصول معنی‌شناسی است. در مورد دوم، بررسی و تطبیق معنی ضمنی واژه‌ها از جنبهٔ چگونگی تعامل انسان-محیط و نیز نقش واژه در فرهنگ و تاریخ مد نظر قرار گرفته شده است. البته در واژه‌شناسی پیش رو، چند مسئلهٔ مهم از جمله دیرینگی برخی زمینه‌های مرتبط با موضوع و مفاهیم کهن آن‌ها، نقش واژه در حوزه‌های عملی، و سرعت تحول معنی و کاربرد این واژه‌ها، مطرح بوده است. همچنین، توسعهٔ روزافزون و ترجمه‌وار واژهٔ منظر در متون تخصصی فارسی به جای برخی واژه‌های غیر فارسی نیز کار بررسی تعاریف و تطبیق واژه‌ها را مشکل‌تر کرده است. به همین دلیل، شناخت تعاریف‌ها بر اساس بررسی مفاهیم واژهٔ منظر در زبان فارسی و نیز واژهٔ لندسکیپ در زبان انگلیسی و بویژه تطبیق معنی لفظی آن‌ها، با توجه به محتوای فعلی هریک از واژه‌ها، است. در نهایت، به منظور بیان هرچه روشن‌تر نتایج بررسی‌ها، جدول تطبیق محتوایی معنی و مفهوم واژه‌های منظر و لندسکیپ پیشنهاد شده است.

→ که برای برابر فارسی یک لغت خارجی پیشنهاد می‌شود، با قطع نظر از آنچه به منطق و ملفوظ آن مربوط می‌شود، باید به مدلول خود، که ممکن است یک مفهوم یا یک شیء باشد، دلالت کند و این مهم‌ترین خاصیتی است که، باید داشته باشد» (محمد ضمیران، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، ص ۱۱۹ و ۱۲۲)

www.pajoohe.com.

9. lexicology

10. semantika

۱۱. مصطفی عاصی، «پردازش

دستوری زبان فارسی با رایانه»، ص ۴۶.

12. conceptual meaning

13. associative meaning

۱۴. همان، ص ۴۷.

۱۵. فرزانه سجودی، *نشانه‌شناسی کاربردی*، ص ۷۷.
16. Voloshinov. همان جا.
17. همان جا.
18. terms
19. terminology
۲۰. همچنین در حدود یک دهه است که، در متون فارسی تخصصی و مرتبط با طراحی (معماری، شهرسازی، منظر، و غیره) معادل Landscape در انگلیسی، Paysage در فرانسوی به کار می‌رود.
۲۱. البته این مفهوم تفاوت بنیادی با معنی واژه «منظر» و مفاهیم غیر مادی آن دارد که در جای خود نیازمند بررسی بیشتر است.
۲۲. نک: *لغت‌نامه دهخدا*، ذیل: «منظر».
۲۳. نک: *ناظم‌الاطباء*
۲۴. «و گاهی به معنی چشم باشد چرا که چشم محل خروج نظر و جای پیدا شدن بصر است». (*ناظم‌الاطباء*)
۲۵. فرهنگ مشیری، ذیل: «منظر».
۲۶. فرهنگ سیاح، ذیل: «منظر».
۲۷. فرهنگ سخن (انسوری)، ذیل: «منظر».
۲۸. فرهنگ آریان‌پور، ذیل: «منظر».
۲۹. فرهنگ عمید، ذیل: «منظر».
۳۰. نگارنده واژه پرداخت را معادل آرایش و پیرایش در ساماندهی فضاهای باز بکار برده است.

می‌روند و عبارت معنای صریح نیز فقط نشانگر اجماع همگانی است. هر واژه نیز بدو دارای معنای صریح و در مرتبه بعد ضمنی، غیرمستقیم، و استنباطی است.

علاوه بر موارد فوق و در حیطه معنانشناسی، سطوح دیگر معنایی واژه‌ها یعنی معنای صریح (Explicit meaning) و معنی ضمنی (Implicit meaning) نیز مطرح است. در این سطح، البته معنای صریح همان معنایی است که، لفظ و ظاهر آشکار پیام را به طور یکسان همه می‌فهمند. معنای صریح را با عباراتی چون معنای مبتنی بر «تعریف»، «معنای تحت اللفظی»، «معنای بدیهی» یا «معنای مبتنی بر دریافت عام» نیز توصیف کرده‌اند.^{۱۵}

ولوشینوف^{۱۶} در مورد معنی صریح و ضمنی معتقد است: «هیچ خط قاطعی نمی‌توان بین معنی صریح و معنی ضمنی کشید؛ زیرا معنای ارجاعی به‌واسطه ارزش‌گذاری شکل می‌گیرد. معنی همیشه با قضاوت ارزشی همراه است و هیچ توصیف خنثای عینی (ابژکتیو) عاری از عنصر ارزش‌گذاری وجود ندارد. بدین معنا تفکیک میان دلالت صریح و ضمنی، کاری بسیار دشوار بوده و کوشش در این زمینه در اکثر موارد با ناکامی همراه است».^{۱۷}

در مجموع، از دیدگاه زبان‌شناسی، ساخت و معنای واژه‌های زبان به طور عام در حوزه واژه‌شناسی بررسی و ساختار معنایی و مفهومی واژگان فنی رشته‌های علمی (اصطلاحات)^{۱۸} در حیطه اصطلاح‌شناسی^{۱۹} مطالعه می‌شود.

۲. معنی صریح و واژه‌شناسی

۲.۱. واژه منظر

در زبان فارسی واژه «منظر» معنای گوناگونی را در ذهن تداعی می‌کند.^{۲۰} به‌علاوه، واژه منظر که ریشه عربی دارد، هم به معنای مورد نظر) اسم مفعول (و هم نظرگاه) اسم محل و مکان (که، بیشتر به جنبه‌های عینی و قابل دیدن اشاره

دارد، فهمیده می‌شود.^{۲۱} بر این اساس، مفهوم لفظی و ساده منظر معادل تصویر یا مجموعه تصاویری است که، با واسطه یا بدون واسطه در محیط مرئی دیده و ادراک می‌شوند، و یا تلقی چشم‌انداز، دورنما، و محیطی مصنوع یا طبیعی که، توسط انسان و موجودات زنده دیگر پردازش و قابل سکونت شده است، نیز از آن می‌شود. با این تصور، منظر چیست و چه معنایی دارد؟ مطابقت این واژه و لندسکیپ چگونه می‌تواند با توجه به مفاهیم آن‌ها در فرهنگ و ادبیات فارسی و انگلیسی به تبیین معنی، اهداف، و فعالیت‌های رشته منظر کمک کند؟

از جنبه لغوی و در واژه‌نامه‌های فارسی و عربی در برابر واژه منظر تعاریفی آمده است: در لغت‌نامه دهخدا منظر به معنی جای نگرستن، جایی بلند یا مشرف به جاهای دیگر که نشینند، و خانه بر بلندی، قسمت مرتفع از قصر و کاخی چون ایوان معرفی می‌شود.^{۲۲} در فرهنگ‌های دیگر به شرح ذیل معنی شده: جای نگرستن و هر چیزی که آن را می‌نگرند، خواه خوشایند باشد یا بدنام و هر چیزی که دیده می‌شود و محل نگرستن واقع می‌گردد،^{۲۳} نگاه و نظر به چشم از دریچه‌ای که بر سر بام و غیره باشد، که در آنجا نشسته نظر به اطراف می‌کنند.^{۲۴} محل نظر، منظره،^{۲۵} نظرگاه و جای نظر،^{۲۶} اسم نقطه یا موضعی که از آن چیزی یا جایی نگرسته می‌شود، آنچه بر آن نظر بیفتد و به چشم دیده شود،^{۲۷} دیدگاه، جایی نسبتاً بلند شبیه به ایوان بر بالای بام خانه، قصر یا مانند آن که از آنجا به اطراف می‌نگرند،^{۲۸} به معنی جای نگرستن و نظر انداختن و به جمع مناظر نیز معنی شده است.^{۲۹}

مفهوم منظر و محتوای گوناگون حامل این واژه در متون ادبی فارسی و به‌ویژه آثار منظوم قابل تعمق و بسیار آموزنده است. این موضوع از آنجا اهمیت دارد که، به‌خوبی می‌توان بعضی از جنبه‌های متمایز و مربوط به معماری زمین و طراحی فضاهای باز، و پرداخت منظره^{۳۰} و مرایا را در مفهوم واژه «منظر» و مخصوصاً مفهوم و کاربرد آن در ادبیات فارسی از قرن چهارم به بعد نشان داد. به طور

برخاستم از جای و سفر پیش گرفتیم
نز خانه‌ام یاد آمد و نز گلشن و منظر

در آرزوی آنکه ببینی شگفتی
بر منظری نشسته و چشمت به پنجره^{۳۴}

اینک از دولت و سعادت تو
من ز حبس آمدم سوی منظر^{۳۵}

● مفهوم منظر و معنی غیر مادی و حسی در ادراک زیبایی (مصنوع)؛
مصادیقی که تأکید اصلی بر جهان‌بینی و رویکرد معنایی است.
اما همچنان وجود رابطه منظر و زیبایی اهمیت دارد.

گر دیگران به منظر زیبا نظر کنند
ما را نظر به قدرت پروردگار اوست^{۳۶}

نکته: «منظر در مفهوم چیزی مرئی و درعین حال جذاب
و تماشایی (مانند رخ و رو)، همچنین منظر، ادراک غیر خود و
به‌ویژه یار و مطلوب انسان است» (بیت ذیل).

من گدا و تمنای وصل او هیهات
مگر به خواب بینم خیال منظر دوست^{۳۷}

● منظر به معنی محل نظر کردن.

چون تو برگردی و برگردد سرت
خانه را گردنده ببند منظر^{۳۸}

و نهایتاً به مثابه بازتاب و نمایش؛ خیال و شهود، که ورای
مفهوم محیط فیزیکی و مادی برگرفته از منظر است.

منظر حق دل بود در دو سرا
که نظر بر شاهد آید شاه را^{۳۹}

تا اینجا نتیجه مطالعه تعدادی از لغت‌نامه‌ها و آثار منظوم
فارسی درباره معنی و مفهوم واژه «منظر» بیان شد، در این
باره یک نکته مهم دیگر در مورد منظر به معنی منظره در
مصادیق فوق چنین است: «نظر کردن و ادراک ذهنی، توأم با

مثال در سطور زیر می‌توان بعضی جنبه‌ها و مفاهیم متفاوت منظر
را، به‌ویژه مفاهیم مرتبط با منظره و زیبایی (و نه باغ‌آرایی)، ادراک
منظر و پرداخت محیط مادی آن، جلوه‌های بصری و خیال، همسو
با ویژگی‌ها و مفاهیم کنونی لندسکیپ فهمید:^{۴۰}

● مفهوم واژه منظر از دیدگاه فردوسی بر دلالت آن بر یک محوطه
گسترده، دیدنی و درخشان بودن، و جذابیت داشتن منظره و
پرداخت آن است. به‌ویژه درباره ایوان یعنی مکانی میان بیرون
و درون، برای ادراک محیط بیرون مسکن و مأوا، آورده شده
است. البته، بیت زیر اگرچه مربوط به داستان پادشاهی لهراسب
و صحنه کارزار است، اما مقایسه آراستگی و توصیف تخت
(مکان نشستن) و منظر پیش ایوان نیز درخور توجه است.^{۴۱}

یکی منظری پیش ایوان خویش
برآورده چون تخت رخشان خویش

[منظره و محدوده‌ای از محوطه که ایوان بر آن مشرف است].

● تأکید بر دو موضوع «دیدنی» (منظر) و «شنیدنی» (مخبر) و
تأثیر آن بر ادراک انسان؛ همچنین (در بیت دوم) بر مفهوم
منظر در رابطه با مفهوم رواق و محیط دیدنی بیرونی، مکان
چشم‌انداز و محلی برای نظر انداختن است:

چونان که سوی تن دو در باغ گشادند
یکسان شودت بر در جان منظر و مخبر

در طاق صفه تو چو بستم نطاق خدمت
جز در رواق هفت فلک منظری ندارم^{۴۲}

● منظر و گلشن به معنی محیط بیرون از خانه؛ منظر به مثابه
فضای باز، محیط بر گلشن و گسترده‌تر از نظر مقیاس؛ نکته
مهم اینکه منظر در ابیات زیر، در مصرع دوم، به‌روشنی تفاوت
بیرون و درون و مفاهیم مادی هر یک را نشان می‌دهد.
همچنین در بیت دوم، منظر به مثابه محیط باز و بیرونی در
مقابل محیط بسته و محبس روح و روان انسان قلمداد می‌شود:

۳۱. نک: لغت‌نامه دهخدا، همان‌جا.

۳۲. نک: فردوسی، شاهنامه.

۳۳. خاقانی

۳۴. ناصر خسرو

۳۵. مسعود سعد

۳۶. سعدی

۳۷. حافظ

۳۸. مولوی

۳۹. مولوی

درک مکان مناسب برای رؤیت آنچه که دیدنی است». به علاوه ارتباط چشم‌اندازهای خرم (گلشن و باغ)، محیط بیرون و مفهوم منظر در ارتباط با مقیاس محیط و برخی مفاهیم کنونی نیز قابل توجه است (ت ۱)

۲.۲. واژه لندسکیپ

در فرهنگ لغات اکسفورد، واژه لندسکیپ چنین معنی شده: «به تمامی وضعیت مرئی و ریخت محدوده‌ای از سطح زمین اطلاق می‌شود و یا به تصویری از حومه شهر، و نمایش زیبایی قطعه زمینی متأثر از تغییر شکل کرانه و عناصر طبیعی آن نیز گفته می‌شود».^{۴۰} لغت‌نامه وبستر نیز لندسکیپ را «جلوه و تصویر محدوده مشخص بستر زمین، هنر ترسیم و نمایش منظره و تصویری از شکل طبیعی زمین و خصوصیت‌های بستر (مانند یک مرغزار، جنگل، کوه، و گستره یک منظره طبیعی که با چشم از یک زاویه مشخص دیده شود)»^{۴۱} تعریف کرده است. همچنین، در اغلب فرهنگ‌های لغات انگلیسی به فارسی، همچون فرهنگ آریان‌پور، در ترجمه لندسکیپ به معنی

40. (OXFORD), Definition according to Oxford Dictionary 2010: Landscape ,n. all the visible features of an area of land. a picture representing an area of countryside. the distinctive features of a sphere of intellectual activity. [as modifier] denoting a format of printed matter which is wider than it is high. Compare with portrait. improve the aesthetic appearance of (a piece) →

ت ۱. حیاط و محوطه جلوی ایوان ارگ کریم‌خان در شیراز، مأخذ: نگارنده.

باغ‌داری و خیابان‌بندی، دورنما، منظره، چشم‌انداز و یا منظره تزیین کردن آمده است. به علاوه، در بسیاری از متون تخصصی واژه لندسکیپ به معنی نقاشی و یا تصویر یک صحنه و منظره طبیعی یا مزین به گیاهان و عناصر طبیعی، و در مواردی مترادف واژه چشم‌انداز و منظره و یا نمایش کلی و بیان ویژگی‌های عمومی یک مکان هم تعریف شده است.^{۴۲}

بر اساس تعریف‌های کنونی لندسکیپ، در متون انگلیسی و از جنبه جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های زمین، واژه‌ها و اصطلاحاتی نظیر:

«لندسکیپ یخی» مناطق قطبی (icy landscape)،

«لندسکیپ کوهستانی» (Landscape mountainous)،

«لندسکیپ بیابانی» (desert landscape)، و

«لندسکیپ ساحلی» (coastal landscape) نیز دیده می‌شود.

از جنبه کاربرد واژه در دیگر علوم و رشته‌هایی فراتر از معماری، باغبانی و جغرافیا، در دایره المعارف‌های لاتین و انگلیسی و برخی متون تخصصی نیز برخی واژه‌ها و اصطلاحات همچون «لندسکیپ فرهنگی»^{۴۳}، «بوم‌شناسی لندسکیپ»^{۴۴}، «برنامه‌ریزی لندسکیپ»^{۴۵}، «ارزیابی لندسکیپ»^{۴۶}، «لندسکیپ سیاسی»^{۴۷} و «معماری لندسکیپ»^{۴۸} به کار رفته است.

از جنبه زبان‌شناسی لندسکیپ، اسپیرن در کتاب زبان منظر^{۴۹} بیان می‌کند که، منظر مردم و مکان را به هم پیوند می‌دهد و با تکیه به معنی‌گرایی در منظر تلاش دارد معنی لغوی آن را مرتبط با محیط انسانی، و فراتر از آنچه لغت‌نامه وبستر به صورت تصویر مجرد و ایستا بیان می‌کند، گسترش دهد.

به نظر اسپیرن، «واژه‌های Landskab دانمارکی، -land-schaft آلمانی، landschap هلندی، و landscape در انگلیسی قدیم، هر دو ریشه (مردم و مکان) را با هم در بر دارند. همچنین، مفهوم «زمین» هم به معنی یک مکان (محل) و هم مردمانی است که در آنجا زندگی می‌کنند. پسوندهای Skabe



of land) by changing its contours, planting trees and shrubs, etc.- DERIVATIVES landscaper n. landscapist n.- ORIGIN C16: from MDu. *lantscap*, from *land* 'land' + *scap* (equivalent of -ship). 41. (Merriam-Webster), Landscape (noun): 1) a: A picture representing a view of natural inland scenery b: The art of depicting such scenery 2) a: The landforms of a region in the aggregate b: A portion of territory that can be viewed at one time from one place, c: a particular area of activity 42. Scenery; the general appearance of a place; the aggregate of features that give character to a landscape. 43. cultural landscape 44. landscape ecology 45. landscape planning 46. landscape assessment 47. policy landscape 48. Landscape archaeology studies the way people of the past shaped the land around them, consciously or unconsciously. 49. *The Language of Landscape*

۵۰. آن وینستون اسپیرن، زبان منظر، ص ۲.

۵۱. جان ماتالاک، آشنایی با

دریاها است. به علاوه، این مفهوم دربردارنده منظره‌هایی است که، باید مراقبت، حفاظت، یا باززنده‌سازی شوند، و یا مناظر روزانه‌ای که، چندان هم مطلوب نیستند.

بنا بر این، تطبیق محتوای مفاهیم و معناشناسی منظر و لندسکیپ مبین چند نکته است: اول، منظر، در فرهنگ لغات فارسی، به جایی گفته شده برای نگریستن و نظر انداختن، محل دیدن منظره که، در هر صورت متکی بر زمین، آب، و هر ماده و بستر دیگر است. دوم، به مفهوم و تعریف واژه منظر در آثار منظوم فارسی مربوطه است که، در موارد زیادی واژه منظر به مفهوم منظره و به‌ویژه با هدف تأکید بر جلوه عناصر طبیعی و اهمیت زیبایی آن‌ها به کار رفته است. سوم اینکه، در کاربرد واژه منظر در متون فارسی، نقش دو وجه دیگر مرتبط با واژه یعنی «نظر» و «منظور» نیز مجزا و معلوم است. در این مورد، از یک سو، اگرچه در مفهوم این واژه، همانند لندسکیپ، به زمین اشاره مستقیم نشده است، اما منظر خود اسم مکان نیز هست. از سوی دیگر، مفهوم لندسکیپ در ادبیات کنونی تخصصی نیز بسیار متفاوت با گذشته است (در بالا به بعضی موارد اشاره شد). در این میان، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های متمایز میان منظر و لندسکیپ، تعمیم‌پذیری و گستره کاربرد آن‌ها در ارتباط با فعالیت‌های تخصصی است.

بر اساس مطالعات، در کاربرد واژه لندسکیپ در متون تخصصی لاتین، مفهوم غالب و روشنی از فعالیت‌های مرتبط با فضاهای باز، محوطه‌سازی و جلوه‌های طبیعی وجود دارد. در مقابل، واژه منظر این نقش را ندارد و در نتیجه، به دلیل مفاهیم گسترده ضمنی آن در متون فارسی، هنوز در مورد کاربرد واژه اتفاق نظر نیست. در این مورد، یک دلیل عمده می‌تواند نو بودن رشته و فعالیت معماری منظر و تبیین نکردن اهداف و جایگاه آن در کنار دیگر فعالیت‌های تخصصی باشد.

بنا بر این، گستردگی مفهوم منظر، آنچه می‌تواند به بیان ذهن و تسری اندیشه و خیال مرتبط باشد، بیشتر از جنبه

و Schaffen نیز به معنی «شکل دادن» و Skab و Schaft به مانند Ship در انگلیسی به مفهوم پیوستگی و مشارکت است. به علاوه اسپیرن معتقد است، «کلمه هلندی Schappen نیز، گرچه دیگر در زبان رایج به کار نمی‌رود، به معنی قدرتمندانه و آمرانه شکل دادن است. البته این کلمات هنوز در زبان‌های اسکاندیناوی و آلمانی به قوت خود باقی است، ولی در انگلیسی معانی اولیه خود را از دست داده‌اند».^{۵۰}

درباره تأثیر جنبه‌هایی چون مکان و زبان در مفهوم و تعریف لندسکیپ، ماتالاک به زمینه‌های تاریخی و ریشه معنایی آن به واژه مشتق از لندشافت آلمانی، با توجه به مفاهیم مطرح شده اعتقاد دارد. زیرا «لندشافت به مجموعه کوچکی از بناها و جلوه‌ای از سکونت متمرکز انسان‌ها [هم به صورت فیزیکی و روانی] اطلاق می‌شود که، توسط چراگاه‌ها یا فضای کشت و کار شده و همانند یک دایره محصور شده و این همه، توسط محیط طبیعی بکر احاطه شده‌اند».^{۵۱} در همین زمینه و به عقیده ماتالاک، بعضی از متخصصان واژه لندسکیپ را نقطه مقابل «زمین بکر» تعریف کرده‌اند. در مقابل، ماتالاک معتقد است که در تعاریف کنونی، لندسکیپ به صورت یک واژه کلی تعریف می‌شود که، طبیعت بکر و محیط مصنوع را یکجا در بر می‌گیرد.^{۵۲}

در مجموع و از جنبه کاربرد واژه در عمل و حوزه تخصصی، دایره‌المعارف میریام وبستر، طراح لندسکیپ (منظر) را کسی می‌داند که، از طریق جای‌گذاری مؤثر ساختارها، راه‌های پیاده و سواره و کاشت رستنی‌ها، زمین را برای استفاده و لذت‌جویی توسعه می‌دهد.^{۵۳}

از نظر کنوانسیون منظر اروپا نیز واژه لندسکیپ به مفهوم ناحیه‌ای است که، توسط مردم درک می‌شود، و یا منطقه‌ای که، ویژگی‌های آن ناشی از تعامل مؤلفه‌های انسانی و طبیعی است و نیز طبیعت، مناطق شهری، روستایی، و حومه‌های شهری را در بر می‌گیرد. همچنین مفهوم لندسکیپ شامل سرزمین، رودها، و

زبان‌شناسی قابل توجه است. در این حوزه، در بارهٔ واژه‌های «منظر» و «لندسکیپ»، علاوه بر اهمیت جایگاه حواس، به‌ویژه بینایی در ادراک، مفاهیم ذهنی مرتبط با فهمیدن، ادراک، و تعامل با محیط بیرون از ذهن نیز به‌روشنی مطرح می‌شود. زیرا مثلاً در ادراک منظره و چشم‌انداز، جلوه‌ای از دوردست‌های محیط طبیعت بکر و یا صحنه‌های خاص طبیعی، که یکی از ویژگی‌ها در تعریف «لندسکیپ» است، جنبه‌های حسی به‌شدت تغییر می‌کند.

همچنین، با تکیه بر موارد مطرح شده، به‌ویژه نقش مؤلفه‌های محیط طبیعی، ریخت زمین، و پرداخت عناصر طبیعی در هر دو واژهٔ منظر و لندسکیپ از یک سو، و در نظر گرفتن زیبایی جلوه‌های ادراک و حُصّ بصری در تعریف و محتوای واژه‌ها از سوی دیگر، نوعی سازگاری میان محتوای واژه‌ها هست. این سازگاری، بدون تأکید بر واژهٔ زمین در ترجمه و معنی صریح واژه‌ها و در نظر گرفتن محتوای مفاهیم کنونی آن‌ها، بیشتر خواهد شد.

۳. معنی ضمنی واژه در فرهنگ و تاریخ

از دیدگاه معناشناسی، هر واژه، نماد، و متن، معنایی نهانی، درونی، کم‌وبیش معلوم، و در نتیجه عینی دارد. این معنی را، سواى منظور آشکار فرستنده یا تفسیر گزینشی دریافت‌کننده، معنای ضمنی یا تلویحی می‌نامند. معنای ضمنی و تلویحی یا هیجانی یک واژه یا نماد نیز از معنای صریح آن بسیار فراتر می‌رود. در مورد دو واژهٔ منظر و لندسکیپ، معنی ضمنی آن‌ها اهمیت بسیار زیاد و جایگاه مهمی دارد. این موضوع، به دلیل تطابق هر یک از معانی ضمنی واژه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، و نیز تطابق معانی ضمنی واژه‌ها در دو زمینهٔ فرهنگی متفاوت، نیازمند دقت نظر بیشتر است.

با توجه به محتوای مباحث بخش‌های قبل، در بررسی مفاهیم منظر و لندسکیپ و از نظر معناشناسی، تأثیر موضوع

طبیعت، باورها، و رویکردهایی که انسان نسبت به طبیعت و محیط داشته، یک جنبهٔ کلیدی است. جنبهٔ مهم دیگر، شکل معیشت انسان‌ها و تفاوت‌های زیاد فرهنگی میان مشرق‌زمین و مغرب‌زمین است. بررسی تأثیر این جنبه‌ها، به‌ویژه در تاریخ هنر و زمینه‌های مرتبط با منظر و لندسکیپ، می‌تواند به رابطهٔ این واژه‌ها و روشن شدن وضعیت سازگاری یا ناسازگاری واژه‌ها کمک کند.

۳.۱. «منظر» در باورها و تاریخ هنر مشرق‌زمین

در بسیاری از باورها و ارزش‌های فرهنگی در جهان، به‌ویژه در تمدن‌های کهن و اغلب جوامع سنتی متأثر از جهان‌بینی توحیدی و الهی، وحدت عالم طبیعت یک اصل مهم تلقی می‌شود. اصلی که بر اساس آن، انسان و طبیعت مخلوقات جدانشدنی هستند که ضمن حیات خود و متأثر از مابعدالطبیعه‌ای که، به قول سیدحسین نصر، در قلب آموزه‌های سنتی موجود است، به سوی تعالی هستند^{۵۴}. در این میان و بیشتر در فرهنگ مشرق‌زمین (از جمله ایران)، طبیعت و محیط در عین حال الهام‌بخش انسان و بستر رشد و شکوفایی تمایلات فطری، معنویت، و هنر انسانی و نیز محمل پاسخ‌گویی به نیازهای مادی انسان برای ادامهٔ حیات و معیشت نیز هست. به‌علاوه، تعلق خاطر انسان به محیط‌های طبیعی و مناظر آن نیز، به‌رغم نوسانات زیاد و گاه زیاده‌طلبی‌های انسان در تعامل با طبیعت و بهره‌گیری از منابع آن، همواره متأثر از رابطه‌ای عمیق و معنوی ارزیابی شده است. در این مورد و در بیشتر ارزش‌های فرهنگی (ملموس و ناملموس)، به‌ویژه آثار هنری و «جلوه‌های منظر»، می‌توان نمونه‌ای از مناظر محیط طبیعی، تعامل طبیعت و انسان، و نیز چگونگی تأثیر آن بر باورها و مخصوصاً صنعت و هنر انسانی را به‌خوبی مشاهده کرد (ت ۲ و ۳).

به‌علاوه، برای مثال در مینیاتور ایرانی، بیشتر به مدد دریافت‌هایی از حقیقت و زیبایی، مناظر و عناصر طبیعی متأثر از

→ طراحی محیط و منظر، ص ۱۹، ۵۲، نک:

John Motloch, *Introduction to Landscape Design*. 53. A person who develops land for human use & enjoyment through effective placement of structures, vehicles & pedestrian ways & planting» (in Miriam-Webster Dictionary)

۵۴. در این باره نصر معتقد است: «... این مابعدالطبیعه که من مؤلف از آن به علم قدسی نیز تعبیر کرده‌ام، نباید با مابعدالطبیعه به عنوان رشته‌ای از فلسفه، به معنایی که، عموماً در غرب از این رشته مورد نظر است، خلط شود؛ به‌علاوه نباید آن را به عرفان فلسفی نیز فروکاست، مگر اینکه معنای سنتی فلسفه احیا شده باشد» (نک: ان‌شاءالله رحمتی، هنر و معنویت، ص ۱۷۶).

55. Literary Taoistic landscape

۵۶. نک: همان، ص ۲۳۹ - ۲۴۹.

ت ۲. (راست) مجموعه آبشارهای شوشتر، مأخذ: نگارنده.
ت ۳. (چپ) چشمه بلقیس در چرام، مأخذ: آرشیو نگارنده.

و بستر درک حس مکان و نیز «حس وحدت» بوده است. بدین ترتیب، با توجه به اهمیت آموزه‌های سنتی در توسعه معماری «منظر» و از نظر تاریخی، کهن‌الگوی باغ ایرانی اهمیت فوق‌العاده دارد. این اهمیت با توجه به تنوع شرایط اقلیمی و جلوه‌های محیط طبیعی نجد ایران و به‌ویژه مناطق گرم و خشک تا بیابانی بیشتر خواهد شد. در این باره نیز می‌دانیم که، «سرچشمه‌های اصلی کهن‌الگوی باغ ایرانی و پرداخت فضاهای باز و بستر زمین در جنوب غرب فلات ایران و تمدن ایلامی است». به‌علاوه الگوی باغ ایرانی همراه با پیشرفت تمدن و فرهنگ این سرزمین به تدریج تکامل یافته و ارزش‌ها و نظام حاکم بر آن بر تمدن‌های دیگر اثر زیادی گذاشته است. نکته مهم این است که، مهم‌ترین الگوی بر جای مانده در زمینه «معماری منظر» (به مفهوم کنونی آن) - در زمانی طولانی و متأثر از شرایط محیطی، تحولات تمدن، و شکل‌گیری فرهنگ ایرانی اسلامی و در تعامل شدید با صناعت و هنرهای همچون فرش و مینیاتور و معماری - ارزش‌های مکان، دستیابی به نظم غائی، و حس وحدت حاکم بر باغ ایرانی بوده است.

مفاهیم کلی زمان و مکان، و در نبود سایه و ژرفنمایی، به لایه‌های گوناگونی از عالم هستی اشاره می‌شود. یا در «منظره‌سازی» چینی و به طور مشخص در «نقاشی منظره در آیین دائویی ادیبانه»^{۵۵} در چین^{۵۶}؛ هدف نوعی بیان واقعیت‌های طبیعی و نیز گفتگوی ایهام‌آمیز در باره مبادی به هم پیوسته هستی است.

در معماری «منظر» مصادیق مرتبط با بستر فعالیت‌های انسانی در محیط‌های طبیعی و مناظر و فضاهای باز نیز، که به‌ویژه در چارچوب معماری، کشاورزی، باغداری، و مدیریت مصرف آب ایجاد شده‌اند، در نهایت به تقویت مبانی ساخت مکان در محیط‌های طبیعی و الگوهای باغ‌سازی و معماری باغ کمک زیادی کرده‌اند.

بر اساس مطالعات در مفاهیم مشترک منظر (به مفهوم محدوده‌ای مشخص از مکان و منظره‌ای دیدنی یا چهارچوبی برای دیدن) و لندسکیپ (به مفهوم زمینی مشخص و محصور در یک قلمرو طبیعی و بکر)، معماری باغ یکی از زمینه‌های مهم هنر و دانش ضمنی معماری «منظر» شناخته شده است. این پدیده مخصوصاً در ایران پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی



۲.۳ «لندسکیپ» در باورها و تاریخ هنر مغرب زمین

در اواخر قرن پانزدهم، «واژه لندشپ»^{۵۷} برای مشخص کردن یک محیط طبیعی و نه یک تابلو به کار برده شده است. در قرن شانزدهم و هفدهم این ترکیب، برای نقاشی از مناظر زمینی طبیعی به کار می‌رفت، تا از مناظر دریایی و پرتوها تمیز داده شوند.^{۵۸} در همین زمان نیز معنی و مفهوم واژه لندسکیپ نیز معادل «تصویری است که، چشم‌اندازی از سرزمین بکر را به نمایش می‌گذارد و یا منظره‌ای از دشت و صحرا را به نمایش درمی‌آورد».^{۵۹} تجلی مفاهیم فوق به‌خصوص در نقاشی‌ها، متون ادبی، و تفاسیر هنر رنسانس مشهود است (ت ۴). در آثار



معماری و باغ‌سازی نیز می‌توان از نقاشی‌های دیواری، پنجره‌ها و قاب‌های بصری در فضای باز، و نهایتاً تمایل به دیدن مناظر طبیعی و محیط باز پیرامون کالبدهای معماری، از طریق طراحی تراس‌های باز و گسترده، نام برد. نمونه‌های عالی این مصادیق را نیز می‌توان در معماری دوره رنسانس ایتالیا، به‌ویژه کاخ‌ها، باغ‌ها، و ویلاهای شخصی جستجو کرد.

از اواخر قرن هفدهم به بعد، لندسکیپ (منظر)، به مفهوم منظره‌آرایی و تعریف آن و تمایل به طراحی منظر، به‌شدت تابع تفکرات انسانی و قوانین هندسی گردید. این مفهوم لندسکیپ، به‌ویژه متأثر از آثار آندره لنوتر^{۶۰} بزرگ‌ترین طراح باغ و منظرپردازی فرانسه و نیز عصر باروک در اروپا، بود. به همین دلیل «لندسکیپ» به مفهوم منظره‌های طبیعی و چشم‌اندازهای بکر، جای خود را به مفهومی متأثر از محوطه‌های باز به‌وضوح طراحی شده و نیز منظره‌های انسان‌ساخت داد. بنا بر این، باغ‌های ورسای تنها نمونه‌ای عالی در باغ‌سازی لنوتر و باروک نبود، بلکه اوج نظام طراحی منظر و باغ‌سازی اروپای قرن هجدهم و مفهوم جدید از منظر و طراحی آن را به نمایش گذارد و موجب تحول عظیمی در دیدگاه‌های هنری، معماری، و شهرسازی شد. الگوی ورسای همراه محوطه‌های باز و متقارن آن - منظره‌هایی که نمایش‌دهنده حاکمیت نظام هندسی و اشکال و عناصر مصنوع



57. Landschap
58. J. Makhzumi & G. Pungetti, *Ecological Landscape Design & Planning*, p. 3.

۵۹. یک منظر یک تصویر فرهنگی است. یک وسیله و روش تصویری برای بازنمایی یا نمادپردازی محدوده‌ها و عوامل در بر گیرنده و محدوده‌ها است (نک:

Kennet Robert Olwig, ()
"Landscape, Nature and the Body Politic".

60. Andre Le Notre

ت ۴. (راست، بالا) هاروسترز (دروگران)، اثر بروزل (Bruegel)

1965)، منظره ایده‌آل در رومانسیسم پیشین، منظر صفای کشاورزی و آرامش آن با توجه به جنبه‌های طبیعی محیط و واقعیت‌های زندگی، مأخذ: The Harvesters, Pieter Bruegel, Peace and Agriculture in a pre-Romantic Ideal Landscape.

ت ۵. (راست، پایین) ورسای (Versailles Garden)

ت ۶. (چپ) ووکس ویکانتی (Vaux-le-vicomte)، مأخذ دو تصویر: www.wikipedia.org

۶۱. به همراه تحولات صنعتی و با روی کار آمدن طبقه جدید بورژوا و افزایش جمعیت کم درآمد در شهرها، نیازهای جدید و برخی مشکلات شهری ظهور کرد. این همه از یک سو، موجب نیاز بیشتر به فضاهای باز و سبز درون شهری، و از سوی دیگر، تلاش برای رفع آلودگی‌های محیطی و ناهنجاری‌های بصری در آن‌ها شد.

62. Joseph Addison
63. William Shenstone
64. Humphry Repton
65. *Landscape Gardening*.

۶۶. نکته مهم این است که پیش از آن در مشرق‌زمین و به‌ویژه ایران، در طراحی و ساخت بسیاری از باغ‌ها و کاخ-باغ‌ها به مناظر دوردست نیز توجه شده است. این مهم نیز به کمک کوشک میانی و یا در امتداد محور باغ میسر شده است.

67. William Kent
68. John Claudius Loudon
69. Lancelot Brown

ت ۷. منظر رودخانه، اثر توماس گینزبرو (Thomas Gainsborough, 1768- 1770)، مصداقی از مفهوم منظر (لندسکیپ) در قرن هفدهم و هجدهم، مأخذ: www.Wikipedia.org

نویسندگی، به کار باغبانی و طراحی منظر مشغول شد، هامفری ریتون^{۶۴} انگلیسی در سال ۱۷۸۸ (و در برخی منابع سال ۱۷۹۴) بود. به‌علاوه، او در سال ۱۷۹۵ کتابی به عنوان *باغبانی منظر*^{۶۵} شامل مجموعه‌ای از اسکیس‌ها و اشاره‌های باغ‌سازی و طراحی منظر منتشر کرد. ریتون اعتقاد داشت که، بهتر است، با گذار از طراحی تراس‌هایی نزدیک خانه (و باغچه‌ها و محوطه‌های نزدیک بنا)، برای حفظ بصر به طراحی پارک‌هایی، با اشکال غیر هندسی و ارگانیک قابل دیدن از منظر دور و دوردست، پرداخت^{۶۶}.

در ادامه روند گذشته و همراه با کارهای ریتون، شخصیت‌هایی چون ویلیام کنت^{۶۷}، جان کلاودیوس لادون^{۶۸} و مشهورتر از همه آن‌ها لانسلت براون^{۶۹}، متأثر از دیدگاه‌های فلسفی مشرق‌زمین و نیز تفکرات فلسفی رمانتیسیم آلمان، با قدرتی ویژه، پارک‌های بزرگ ملی انگلیس را، که طبیعتی بکر و ناب داشتند، دگرگون کردند. بدین ترتیب در تحولات باغ‌سازی و منظرپردازی در انگلستان، گرایش به طبیعت و توجه به کیفیت فضاهای باز طبیعی، بار دیگر الگویی در باغ‌سازی و طراحی منظر اروپا و حتی جهان شد. در ادامه و از میانه قرن نوزدهم نیز که، صنعت و زمینه‌های اقتصادی در کشورهای اروپایی شکوفا شده بود، با تأثیرگذاری بر بسیاری رشته‌ها، از جمله باغبانی و کشاورزی و معماری صنعتی، زمینه تحول طراحی منظر فراهم شد.

همچنین، اعتلای هنر باغ‌سازی و ساخت مناظر رمانتیک در انگلستان بر هنر باغ‌سازی باروک فرانسه سایه انداخت و موجب ظهور مفاهیم جدید منظر و تعمیم آن به زمینه‌های غیر باغبانی و معماری از جمله برنامه‌ریزی و محیط زیست می‌شود. تحول دیدگاه‌ها نیز، منظر و مفهوم آن را تنها به باغ و ساخت محوطه‌های خصوصی گل‌کاری شده برای حوض بصر و تفرج محدود نمی‌کند، بلکه منظر را معادل «بخشی از زمین با عناصر و خصوصیات متمایزکننده‌اش و محصولی از دست‌کاری یا شکل‌دهی فرایندهای طبیعی یا انسانی» نیز معرفی می‌کند.

آن بودند. در اغلب کاخ‌های کوچک و بزرگ اروپا و حتی برخی کشورهای غیر اروپایی تکرار شد (ت ۵ و ۶).

از میانه قرن هجدهم در اروپا و به‌ویژه در انگلستان، به دنبال تغییرات مهم تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، انقلاب صنعتی، و نیز اثرات انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، پایه‌های اقتصادی-اجتماعی شهرها دگرگون شد. در نتیجه تغییر فضاها و دیدگاه‌های طراحی، به‌ویژه معماری، شهرسازی و باغبانی، نوع و شکل فضاهای باز، سیمای شهری، و نیز مفهوم منظر نیز تغییر کرد.^{۶۱}

بر این اساس، معنی منظر در قرن هجدهم به «بخشی از چشم‌انداز زمین» تعمیم داده شد و تلقی از آن معادل «دیدگاه یا نمودی از چشم‌انداز زمین شد که، فردی با دیدگاه خاص خود می‌تواند آن را درک کند». به همین دلیل نیز متأثر از مکاتب و سوابق درخشان انگلستان در زمینه معماری مناظر و مرابا (و بیشتر در حد باغ‌سازی و باغ‌آرایی)، منظره‌سازی زمینه‌ای مستقل در متون ادبی، هنر، و حرفه‌ای دنیا شد. در این باره، از جمله اولین کسانی که در نوشته‌های خود از ساخت و ایجاد منظر سخن گفته‌اند، جوزف آدیسن^{۶۲} شاعر و نویسنده انگلیسی در سال ۱۷۱۲ بوده است (ت ۷).

در سال ۱۷۵۴ واژه «باغبان منظر» را ویلیام شنستون^{۶۳} به کار برد؛ اما اولین شخصیتی که به طور حرفه‌ای، در کنار



از اواخر قرن نوزدهم واژه منظر مفهوم جامع و کاربرد گسترده‌تری پیدا کرد و برخی از صاحب‌نظران همچون تامسون، ترول، و جلیکو بدان اشاره داشته‌اند. به نظر آن‌ها، مسائل تازه شهرنشینی و زیست‌محیطی مرتبط با آن، نیازهای اجتماعی-فرهنگی، به‌علاوه توسعه زمین‌های حرفه‌ای و آکادمیک مرتبط با معماری، شهرسازی، علوم محیطی، و باغبانی در توسعه مفهوم و کاربرد منظر، به‌ویژه در اوایل قرن بیستم نقش زیادی داشته است. همچنین در شرایط ایجاد شده، «منظر و مفهوم آن تعریف فراگیری از محیط طبیعی، شامل تمام شاخصه‌های بوم‌شناسانه، علوم طبیعی، و خصوصیات فیزیکی زمین و همچنین محیط انسان‌ساخت درگیر با مسائل کاربری زمین، کشاورزی، شهرنشینی، و جامعه را مطرح می‌کند»^{۷۰} (ت ۸). بنا بر این، در مقایسه مفاهیم منظر و لندسکیپ، بعضی جنبه‌های مشترک همچون «محدوده مشخص از سیمای زمین و جلوه‌های طبیعی آن»، «اهمیت عناصر و محیط طبیعی در منظره مورد نظر» و لحاظ «جذابیت و زیبایی»، در هر دو مفهوم «لندسکیپ» و «منظر» بسیار با اهمیت است. این جنبه‌ها بر مقارن بودن واژه‌های منظر و لندسکیپ و نه هم‌معنی بودن

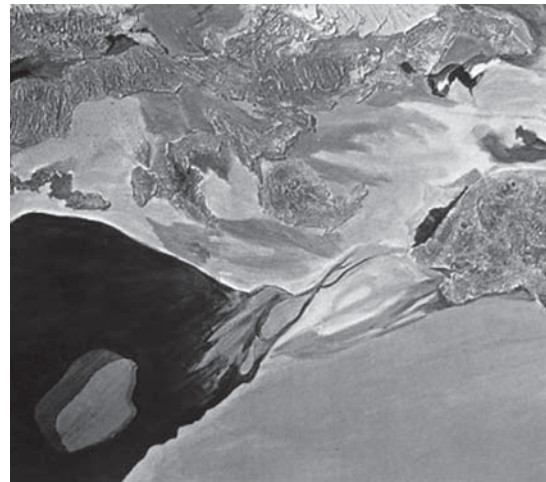
آن‌ها (برای ترجمه) تأکید دارد. در ادامه به شرح این جنبه‌ها پرداخته می‌شود. از یک سو، مفهوم مشترک واژه‌های منظر و لندسکیپ معادل تصویر و تصور از سیمای محیط طبیعی و جلوه زمین در قلمرو مشخص، پرسپکتیو عمومی ناظر از محیط باز مرئی در موقعیتی خاص، و نهایتاً چشم‌انداز محدود تا سیمای یک مکان خاص جغرافیایی است. نکته مهم اینکه در مقایسه معانی گوناگون منظر، از جمله چشم‌انداز یا نظرگاه، مشخص می‌شود که، این معانی با مفهوم مکان، «جای» یا «گاه» و همچنین مفهوم «نظر کردن» از دید خاص فرد نظرکننده و به بیان دیگر تأثیر نوع نگاه فرد در چگونگی نظر او نیز رابطه دارد. البته در زمینه ارتباط مفاهیم منظر و مکان نیز دو جنبه مهم قابل توجه است: نخست تلقی مکانی خاص از واژه منظر و دوم نوعی بیان فرهنگ و باور انسانی که از منظر فهمیده می‌شود. با توجه به این دو مفهوم، منظر را می‌توان این‌گونه فهمید: «انسان‌ها از چه دیدگاهی به یک محیط خاص توجه و آن را درک می‌کنند، و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خود آن را، از حالت کاملاً بکر به صورت فضای انسان‌ساخت، درآورده‌اند»^{۷۱}.

از سوی دیگر، توجه به تاریخ و جنبه‌های مؤثر اجتماعی و فرهنگی جهان غرب در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نشان‌دهنده اهمیت تأثیر علوم محیطی بر ساختار منظر و جنبه‌های اصلی منظر شهری یعنی «محیط طبیعی»، «محیط انسان‌ساخت» و «مجموعه فعالیت‌های انسانی» است. این تأثیر، که منجر به بهینه‌سازی کیفیت فضای زندگی و به طور مشخص توسعه فضاهای باز و سبز شده است، ریشه در پرنگ شدن جنبه‌های محیط طبیعی و نیاز به آن در منظر و ساختار آن داشته است. به همین جهت نیز مفهوم منظر (لندسکیپ) بسیار متفاوت با گذشته (یعنی مختص به مکان‌ها یا شرایط خاص)، ناظر بر فعالیت‌ها و جلوه‌های دیگری در زندگی روزمره است.

۷۰. نک:

Makhzoumi and Pungetti, ibid.

۷۱. نک: Ibid.



ت ۸. دورادو شماره ۲ (ماهی زرین)، اثر جین فرنک (Jane S. Frank, 1918-1986)، نقاشی از منظره هوایی زمین و مفهوم منظر با توجه به مصداق هنر «منظره هوایی» و ادراک محیط در مقیاس‌های بزرگ و با توجه به امکانات نوین، مأخذ: Jane Frank, (1918-1986), Dorado: An example of aerial landscape art

معرفی می‌شود. در این زمینه و به قولی مفهوم واژه‌ها و تعریف‌ها بر قاعده^{۷۳} و راه- و روش^{۷۴} تکیه دارند. همچنین، به بعضی نظریه‌های تاریخی- فلسفی و نیز فعالیت‌های معماری «منظر» و موضوعاتی نظیر باورهای انسان درباره «طبیعت و محیط زیست»، «جغرافیای طبیعی و مدیریت کاربری زمین»، و «ادراک محیط» توجه شده است.

۴. ۱. مفهوم «منظر» و طبیعت‌گرایی

واژه طبیعت در فرهنگ فارسی، معانی مختلف دارد، مهم‌ترین مفهوم بخشی از جهان است که، انسان در ساختن آن دخالت نداشته باشد، بخشی در بر دارنده کوه و دشت و دریا و گیاهان و جانوران و از یک جنبه، در بر دارنده «منظر». با این معنی طبیعت و در اغلب باورها و مخصوصاً جهان‌بینی سنتی، «انسان» جزئی از عالم طبیعت است و همچون اجزای دیگر آن به زندگی و حیات خود در محیط و بسترهای طبیعی ادامه می‌دهد. همچنین، «آیده و اندیشه انسان سنتی مبتنی بر اصل تناظر میان عالم صغیر (انسان) و عالم کبیر (کائنات) است، برای او طبیعت با تمامی مظاهر شکوهمند، مهیب، و درعین حال مهربان و بخشنده‌اش، خود باطنی رمزآلود و مقدس داشت و اصل تناظر نسبت میان این باطن مقدس با فطرت و ذات انسان را برقرار می‌ساخت و به همین دلیل، طبیعت، در فرهنگ سنتی دیروز، هم به معنای طبیعت برون بود و هم به معنای جوهر ساده، بسیط، و ذاتی درون (فطرت)»^{۷۵}.

بدین ترتیب، در زمینه چگونگی تعامل انسان- محیط، وحدت انسان و طبیعت و فهم ویژگی‌های ذاتی «منظر» در جهان‌بینی سنتی چند نکته اهمیت دارد: نکته اول آن است که، دلیل اصیل وحدت معنوی انسان و جهان در مفهوم طبیعت، صرفاً در اشتراک مفهومی آن نیست، بلکه آن‌گونه که بلخاری معتقد است؛ به اصل مورد اشاره تناظر انسان و جهان در جهان‌بینی انسان سنت‌گرا بازمی‌گردد. در این

۴. معنی ضمنی واژه در رابطه انسان و محیط

در طول تاریخ و در روند توسعه جوامع زیستی بشر، همواره شرایط محیطی، باورها و ارزش‌های دینی، فلسفه، اقتصاد، سیاست، تکنولوژی، مفاهیم زیباشناسی، و غیره بر روند کلی فعالیت انسان در مقیاس‌های متفاوت مواجهه با منظر و لندسکیپ تأثیر زیادی داشته است. مقیاس‌هایی که متأثر از تعامل انسان با محیط و به نظر صاحب‌نظران، ناشی از رویکردها و فعالیت‌های گوناگون انسان در محیط طبیعی و سکونتگاه‌های انسانی، زمینه‌ساز جلوه‌های منظر به صورت گسترده و بسیار متنوع شده است.

بر اساس مدارک بسیار، در رابطه انسان و محیط، طبیعت نقش مهمی دارد. بدین ترتیب، میراث طبیعی و فرهنگ نیز از مهم‌ترین و برجسته‌ترین عناصر حلقه‌های بر جای مانده عالم خاکی به حساب می‌آید. عناصری که از یک سو، به «طبیعت» و از سوی دیگر، به «فرهنگ» و عالی‌ترین جلوه‌های دانش ضمنی و علوم «انسانی» وابسته است. حال اگر فرهنگ‌ها را، که منتج از تعاملات انسان با طبیعت و محیط هستند، به قول آشوری به دوگروه کلی سنتی و مدرن بخش‌بندی کنیم، می‌توان وجه دیگری را برای تطبیق تعریف‌ها و مفاهیم منظر و لندسکیپ مطرح کرد. در این مورد، «مراد از سنت قالب‌های اندیشه و زندگانی و رفتار است که، در هر جامعه بنیاد زندگانی جمعی را تشکیل می‌دهد و از نسلی به نسلی فراداده می‌شود. در فرهنگ مدرن نیز اگرچه سنت‌های اجتماعی و مرجعیت اقتدار پاسدار آن‌ها وجود دارد، ولی حوزه شناخت نظری و اقتدار سنتی را در هم شکسته و به شناخت عقلی تکیه زده است»^{۷۶}.

بنا بر این در این بخش، نتیجه بررسی رابطه انسان- محیط و مهم‌ترین جنبه و مفهوم مشترک منظر و لندسکیپ یعنی طبیعت‌گرایی بیان خواهد شد. همچنین، برخی دیدگاه‌های مربوط به شیوه رفتارهای فطری انسان و باورهای اجتماعی مشترک که، به طور ضمنی به محیط و منظر شکل داده‌اند،

۷۲. داریوش آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۱۱۹.

73. rule

74. way

۷۵. حسن بلخاری، «نسبت عناصر اربعه با مربع و تأثیرات آن بر هنر و معماری مقدس»، ص ۲۷.

وضعیت، «نسبت انسان با جهان، نسبتی متناظر و متقارن است. نگره وحدت‌نگر انسان سنت‌گرا تمامی پدیده‌ها را در ارتباطی ناگسستنی با هم درک می‌کند و در این میان عالم با تمام مظاهرش "انسان"، و انسان با تمامی عظمتش "عالم" محسوب می‌شود»^{۷۶}. دوم اینکه «طبیعت در هنر شرق بازتاب ساده‌ای دارد، اما در حقیقت در هنر شرق دارای لایه‌های بسیاری است»^{۷۷}.

نکته سوم به جنبه‌های عینی و عملی وحدت انسان و طبیعت و به‌ویژه طبیعت‌گرایی در مشرق‌زمین بازمی‌گردد که فهم منظر و چگونگی پرداخت آن را نیز معلوم کرده است. در این مورد و به قول سیدحسین نصر «علاقه مفراط به طبیعت و حضور عالم غیب باعث می‌شود که، انسان طبیعت را باغ و بوستانی بیندارد که، در هر نقطه‌ای از آن آثار باغبان نامرئی هویدا و راهنما است»^{۷۸}. چنین ویژگی‌هایی و نوع دیدگاه‌های مرتبط با آن که، چهارچوب نظری رویکردها و تأمین نیازهای معنوی و آسایش و امنیت فردی و اجتماعی به حساب می‌آید، به طور ضمنی بر بیشتر فعالیت‌ها، هنر، و دیگر اثرات انسانی در محیط، منظر، و بازتاب آن‌ها تأثیر گذاشته است.

کریشنا مورتی^{۷۹} نیز با طبیعت‌گرایی خاص خود، با هدف تعریف واژه «محیط» و تبیین ویژگی‌های از یاد رفته روابط نزدیک انسان و طبیعت، معتقد است «محیط» نه تنها شهر یا دهکده‌ای است که، در آن زندگی می‌کنیم، بلکه محیط طبیعت هم هست. طبیعتی که به نظر او یک واقعیت است، اگرچه به نظری پدیده‌های انسانی نیز واقعیتند و البته متفاوت با طبیعت و دارای «تعارض» و «نزاع» هستند.^{۸۰}

با وجود موارد فوق، در تمدن و فرهنگ ایرانی و اسلامی، احترام به طبیعت و محیط زیست و منظر (آن‌گونه که تعریف شد) موج می‌زند. طبیعت و عناصر طبیعی مورد احترام و آمیخته با معیشتند و در زندگی سنتی و متناسب با ارزش‌های فرهنگی آن، باورهای محیطی نیز لایه‌های پیچیده و ریشه‌هایی عمیق

دارند. به‌علاوه، «بر پایه آیات متعددی از قرآن کریم [از جمله آیه‌های ۳۲-۳۴ سوره ابراهیم]، طبیعت و محیط زیست انسان با امکاناتی که در بر دارد از مهم‌ترین نعمت‌های خداوند است»^{۸۱}.

به‌طور مثال، وجود جلوه‌های معیشت در ایران و صناعت‌هایی چون شعر، مینیاتور، معماری، و به‌ویژه مصادیق پرداخت منظر و الگوی باغ ایرانی نیز نشان‌دهنده اصرار مردم این سرزمین بر هماهنگی با بوم و هم‌نشینی و زندگی با طبیعت است. در این مورد و از جنبه روش تعامل انسان-محیط نیز توجه به محیط‌های طبیعی خرم و سرسبز و مخصوصاً بهره‌گیری از دانش ضمنی بومی برای پایداری زیستی در مناطق سخت اقلیمی نیز مبین تلاش‌های مستمر است. این نکته در حالی است که، در اکثر مناطق و گستره‌های اقلیمی ایران، شرایط و عناصر تشکیل‌دهنده سرسبزی به‌خودی‌خود و یک‌جا مهیا نبوده است. به‌علاوه، در چنین تمدن کهن و وضعیت فرهنگی و محیطی، باغ ایرانی به الگوی مهم و ماندگار برای پرداخت «منظر» و محیط در جهان مبدل شده است.

به‌علاوه، معماری «منظر»^{۸۲} و جلوه‌های گوناگون آن در ایران (یک نماینده مهم مشرق‌زمین) همانند بسیاری از هنرها و صناعت‌ها نیز به مثابه نمایش توان ذاتی، فعالیت‌ها، و زندگی انسان با طبیعت است. فعالیتی که برای آماده‌سازی و سامان‌دهی محیط زندگی بدان توجه شده، و از جمله پرداخت «منظر» پیرامون کالدهای معماری و در فضاهای باز مد نظر بوده است. حوزه عمل و «مقیاس» نیز، از آمایش سرزمین و قلمروهای بزرگ محیط طبیعی تا جزئی‌ترین اشکال و احجام را در حوزه‌های شهری و روستایی در بر می‌گیرد. به‌علاوه، چنین فعالیت‌هایی همواره متمرکز بر ویژگی‌های «ادراک محیط»، «حس مکان»، «حس زیبایی»، «بوم‌گرایی» و نیز به گونه‌ای ضمنی و فطری، توأم و متعامل با فرایندهای محیطی بوده‌اند.

۷۶. بلخاری، همان، ص ۲۹.
 ۷۷. کاپیلا واتسیایان، «طبیعت در هنر شرق»، ص ۱۵.
 ۷۸. سیدحسین نصر، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت.
 79. Krishna Murti
 ۸۰. کریشنا مورتی، طبیعت و محیط، ص ۱۰۶.
 ۸۱. سیدعلی حسینی، «طبیعت و محیط زیست از دیدگاه اسلام»، ص ۳۹.
 ۸۲. منظور از معماری «منظر»، فعالیت‌هایی است که، در حوزه معماری و در زمینه‌های محوطه‌سازی، سامان‌دهی محیط، و پرداخت منظر صورت گرفته است. در ایران، این مفهوم را باید زمینه و ریشه‌ای برای رشته کنون معماری منظر (Landscape architecture) به حساب آورد.

نقاشی، مجسمه‌سازی، و غیره «ابزاری» برای توسعه و پیشرفت جوامع مدنی است. البته متفاوت با معماری و برخی رشته‌های علمی و هنری، و روند سریع تغییرات توسعه شهری در عرصه‌های حرفه‌ای و اجرایی، «لندسکیپ تا مدت‌ها جهانی و جهان‌شمول نشد»^{۸۷}، به همین دلیل تا مدت‌ها زمان زیادی، «طراحی منظر» و پرداخت بستر زمین به صورت بومی و محلی و خارج از سبک‌های جاری تداوم داشته است.

در ادامه، متأثر از چالش‌های زندگی در روند توسعه جوامع زیستی انسان (به‌ویژه در شهرها)، مفهوم لندسکیپ و فعالیت‌های مرتبط با آن، به‌ویژه معماری، برنامه‌ریزی، و شهرسازی را به حساب نیاز، بیش از گذشته با علوم محیطی و طبیعت‌گرایی درآمیخت.

نتیجه‌گیری

در بررسی محتوایی «منظر» و «لندسکیپ» و مفاهیم آن‌ها، علاوه بر توجه به وجوه معنایی صریح و ضمنی هر یک، نقش این واژه‌ها در رابطه انسان-محیط نیز مد نظر قرار گرفت. در این مورد، تا حدود زیادی تاریخچه دگردیسی معنایی واژه‌ها و به‌ویژه سازگاری آن‌ها نیز در روند پژوهش پی‌گیری شد. در تطبیق واژه‌ها نیز، از یک سو، بار معنایی و مفهوم منظر در ارتباط با محیط طبیعی، منظره، پرداخت محوطه‌ها، و زیبایی آن‌ها در احساس و ادراک، به‌ویژه در فرهنگ مکتوب ایران بیان شد، و از سوی دیگر، معانی و تعریف‌های لندسکیپ و سیر تحول مفهوم آن در فرهنگ و تاریخ هنر مغرب‌زمین شناخته شد.

بدین ترتیب، واژه‌شناسی منظر و لندسکیپ و نیز تطبیق آن‌ها نشان‌دهنده وجود برخی وجوه افتراق و نیز زمینه‌های مشترک و تعریف‌هایی است که، بر بسیاری از فعالیت‌های همسو و مشابه دلالت دارد. بعضی از این جنبه‌ها چنین هستند: ویژگی‌های عینی-ذهنی در مفهوم واژه‌ها، تصویری از سیمای محیط طبیعی، جلوه زمین، پرسپکتیو عمومی ناظر از محیط باز مرئی، و نهایتاً چشم‌انداز محدود تا سیمای عمومی یک مکان خاص جغرافیایی.

تعریف می‌کنند»^{۸۷}، به عنوان دیدگاه غالب در مواجهه با محیط، بسترهای طبیعی و زیستی را برای رفع نیازهای مادی، مالکیت بر آن، و «ارضای حس برتری‌جویی» به خدمت می‌گیرد (ت ۹). ویژگی‌های فوق که به قول رپوپورت^{۸۸}، به‌ویژه در فرهنگ جوامع پیش از صنعتی وجود داشته، در قالب‌های دیگری نیز تأثیرگذار بوده‌اند: «نخست عوامل فیزیکی و اوضاع بی‌نظیر سایت، اقلیم، مصالح ساخت، و غیره، دوم ادراک و گرایش‌ها و جهان‌بینی‌هایی که پایه‌های فلسفی فرهنگ را ساخته، نگرش‌های اصلی نسبت به انسان، روابط انسان و طبیعت، و تقابل اجتماع، اقتصاد، زمان، و غیره را شکل می‌دهند. سوم، منابع و تکنولوژی‌های در دسترس برای اصلاح وضعیت و شناسایی گرایش‌های فرهنگی»^{۸۹}.

بنا بر این، متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی پس از رنسانس، لندسکیپ مفهومی مرتبط با فضاها، باز، چشم‌اندازهای طبیعی در محیط مصنوع و نیز مشخصه‌های اولیه معماری منظر است و بیش از همه به بستر زمین مربوط می‌شود. همچنین، فعالیت لندسکیپ در حوزه‌های معماری، باغبانی، ساختمان‌سازی،

۸۷. نک: همان.

88. Rapoport

۸۹. نک: همان.

۹۰. نک:

Geofry Jellicoe & Susan Jellicoe, *Landscape of Man*.

۹. تجلی منظر و صحنه‌آرایی‌های تجمل‌گرایی محوطه‌ها در قرن هجدهم، باغ ورسای، مأخذ: www.wikipedia.org.



همچنین معلوم شد مفاهیم منظر و لندسکیپ، به مجموعه‌ای از جلوه‌های ادراک محیط، باورها و نیز زمینه‌هایی اطلاق می‌شود که، در بر دارنده انواع شکل‌ها، الگوها و جلوه‌های حیات نیز هست. در این وضعیت، چگونگی تأثیرگذاری لندسکیپ (منظر) بر شرایط زندگی و چگونگی تعامل انسان با محیط طبیعی و مصنوع نیز در نظر گرفته می‌شود.

به علاوه، در تبیین تعریف منظر، درباره محیط طبیعی و انسانی نیز یک فرض مهم آن است که، منظر بخشی از محیط تعریف می‌شود که، زمینه فعالیت‌های انسان است. در مواردی نیز هر دو واژه با هم و تحت عنوان منظر و محیط بیان شده و زمانی نیز مفاهیم متفاوتی هستند. به همین دلیل نیز، ادراک محیط یعنی آگاهی از ویژگی‌های پیرامون، با استفاده از حواس، است. در این شرایط محیط موقعی می‌تواند به مثابه منظر باشد که مردم آن را درک کنند. اگرچه به قول مخزومی و پونگتی (۱۹۹۹) باید پذیرفت که، در ادراک تفاوت‌هایی نیز میان آگاهی‌ها و شناخت انسان‌ها از آنچه انجام آن را نمادسازی تلقی می‌کنند مطرح است.

بر این اساس، در نتیجه مطالعه تطبیقی واژه‌های منظر و لندسکیپ معلوم شد که، مهم‌ترین وجوه مشترک این دو و همچنین مفاهیم کلیدی آن‌ها به زمینه‌های محیطی و به‌ویژه محیط طبیعی و عناصر آن در تعامل با انسان مربوط است. این موضوع با توجه به هر دو معنی صریح و ضمنی واژه‌ها، و نیز زمینه‌های مشترک متأثر از تعامل انسان و محیط طبیعی مشخص شده است. همچنین باورها و دیدگاه‌های انسان نسبت به طبیعت، جنبه‌های بوم‌شناسی و حیات عناصر طبیعی، تغییرات محیطی و مؤلفه‌های مهمی نظیر فعالیت‌های انسانی و معیارهای زیبایی‌شناسی و ادراک در معنی و فهم کلی منتج از هر دو واژه نقش تعیین‌کننده دارد (ت ۱۰).

به طور مثال، در فرهنگ‌های عموم جوامع سنتی و خصوصاً در مشرق‌زمین، طبیعت و محیط الهام‌بخش انسان و بستر رشد

و شکوفایی تمایلات فطری، معنویت و هنر انسانی، و نیز محمل پاسخ‌گویی به نیازهای مادی انسان برای ادامه حیات و معیشت است. به علاوه، تعلق خاطر انسان به محیط‌های طبیعی و مناظر آن نیز به‌رغم نوسانات زیاد و گاه زیاده‌طلبی‌های او، در تعامل با طبیعت و بهره‌گیری از منابع آن، همواره متأثر از رابطه‌ای عمیق و معنوی ارزیابی شده است. رابطه‌ای که معانی و مفاهیم منظر و لندسکیپ را از جنبه طبیعت‌گرایی به هم پیوند زده است.

همچنین، در مقیاس ایران و در حوزه صنعت و هنر ایرانیان، مخصوصاً معماری «منظر»، مصادیق مرتبط با بستر فعالیت‌های انسانی در محیط‌های طبیعی، مناظر، و فضاهای باز، به‌ویژه در چهارچوب معماری، کشاورزی، باغداری، و مدیریت مصرف آب، در نهایت به تقویت مبانی ساخت مکان در محیط‌های طبیعی و الگوهای باغ‌سازی و معماری باغ کمک زیادی کرده‌اند.

به علاوه، متأثر از باورهای محیطی و به‌ویژه «طبیعت‌گرایی» در جهان، در معماری منظر توجه به زمینه‌های بوم‌شناسی، مدیریت منابع طبیعی، پرداخت جلوه‌های بصری و عناصر طبیعی در مقیاس‌های گوناگون اسکان، و برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای باز اهمیت زیادی دارد. این موضوع، به‌ویژه به دلیل تغییر شرایط آب‌وهوایی کره زمین و تشدید روند کاهش منابع طبیعی در سال‌های اخیر، درک مفهوم «منظر» را بیش از پیش به شناخت «فرایندهای طبیعی»، «نظام‌های محیطی و اکوسیستم‌های طبیعی»، و «جنبه‌های پایداری» در تعامل با زمینه‌های نوین تکنولوژی و مهندسی مرتبط ساخته است.

در مجموع، مقاله پیش رو، ضمن بررسی تطبیقی معنی و محتوای دو واژه منظر و لندسکیپ، برخی از ویژگی‌های با اهمیت در تاریخ و مبانی نظری رشته معماری منظر را در جدول «معناشناسی و تطبیق محتوایی واژه‌های منظر و لندسکیپ» (ت ۱۰) پیشنهاد می‌کند. بر این اساس می‌توان معنی و مفهوم منظر و نیز سازگاری آن با مفاهیم کنونی لندسکیپ را تا حدودی نشان داد. در این مورد، مفاهیم و تعریف‌های

مطرح شده، مفاهیمی کاربردی و بیشتر در حوزه‌های معماری، معماری منظر، برنامه‌ریزی و طراحی شهری ناظر بر فعالیت‌های مرتبط با سامان‌دهی بستر (طبیعی و مصنوعی)، محوطه‌سازی و زمین‌آرایی در عرصه فضاهاى باز و محیط طبیعی، و نیز جلوه‌های بوم‌شناسی، پایداری محیطی و آمایش زمین هستند. در مورد تطبیق دو واژه منظر و لندسکیپ و به‌ویژه طرح جدول معناشناسی آن‌ها چند نکته اهمیت دارد:

• طی قرن‌های متمادی، به‌ویژه در مشرق‌زمین، جهان‌بینی و باورهای سنتی، که چهارچوب رویکردها و تأمین نیازهای معنوی، و آسایش و امنیت فردی و اجتماعی به حساب می‌آید، به طور ضمنی بر بیشتر فعالیت‌ها، هنر، معماری، و دیگر رویکردهای انسانی در محیط

ت ۱۰. جدول معناشناسی و تطبیق محتوایی واژه‌های منظر و لندسکیپ.

تأثیر گذاشته است. در این میان، معماری «منظر» و پدیده‌های آن، واسطه و زبان مشترکی میان انسان و طبیعت بوده‌اند. به‌علاوه، حوزه عمل قلمروهای طبیعی تا جزئی‌ترین اشکال و احجام را در بر گرفته، و ادراک، لذت زیبایی، و احترام متقابل، از جمله خصوصیت‌های فطری در پرداخت منظر به‌شمار آمده‌اند.

• با ایجاد فاصله میان انسان و طبیعت (حداقل در دو قرن اخیر)، به دلیل تغییر زمینه‌های ادراک محیط و تحول مقیاس‌های ارتباط با طبیعت و نهایتاً افزایش قدرت انسان در اعمال تغییرات اساسی در محیط طبیعی، منظر به موضوعی مستقل و «پرداخت» آن نیز به روندی بیشتر عقلانی تبدیل شده است.

نتیجه‌گیری « نوعی سازگاری معنایی میان واژه‌ها وجود دارد »		landscape (لندسکیپ)	منظر	وجه تطبیق و معناشناسی
وجه تشابه	وجه افتراق	جهان‌بینی غربی	جهان‌بینی شرقی (ایران)	زمینه بررسی
- اهمیت ریخت زمین - اهمیت محیط طبیعی - نقش موقعیت نظر انداختن - کیفیت مکان دیدن - جذابیت - حض بصر و خوشی درون - تحول مفهوم واژه در حوزه فعالیت‌های کنونی	- تأکید بر عنصر زمین در واژه لندسکیپ (امروزه این واژه در فرهنگ غرب نیز تغییر یافته) - فهم نسبتاً یکسان از واژه در فرهنگ غرب - مفاهیم غیر مرتبط با موضوع شناخته شده و حوزه‌های تخصصی، مثال: politic landscape	- تمامی وضعیت مرئی و ریخت محدوده‌ای از زمین - هنر ترسیم و نمایش منظره - تصویری از شکل طبیعی زمین و خصوصیت‌های بستر - محوطه‌سازی	- چشم انداز و دورنما - پرداخت محیطی طبیعی و مصنوعی توسط انسان - جای نگریستن - آنچه نگریسته می‌شود - درک عینی و ذهنی محیط	واژه‌شناسی Lexicographic
- ناظر بر منظره و دورنما با تکیه بر خصوصیت‌های طبیعی زمین - نقش طبیعت و تعامل با آن - زیبایی مناظر طبیعی (بکر و مصنوعی) - فرایندها و عناصر طبیعی و بوم	- برخی مفاهیم غیر مرتبط با مکان، زمین، و منظره - کاربرد واژه در زمینه‌های غیر تخصصی، مثال: منظر به مثابه دیدگاه	- بار فرهنگی-تاریخی - در حوزه معیشت و صنعت - در باورها و خلق آثار هنری - زیبایی‌شناسی و عقل‌گرایی	- بار فرهنگی-تاریخی - در حوزه معیشت و صنعت - در باورها و خلق آثار هنری - زیبایی‌شناسی و بوم‌گرایی	دانش ضمنی Tacit knowledge
- بار طبیعت در تعریف‌ها و معنی - پرداخت زمین و محوطه‌های باز - ادراک زیبایی و حض بصر - مفهوم عینی-ذهنی	- مفهوم واژه منظر با تکیه بر کلیت هنرهای ایرانی - غلبه مفهوم عینیت در واژه لندسکیپ - غلبه مفاهیم عینی-ذهنی در واژه منظر	- فرهنگ مدرن - غلبه تفکر سلطه بر طبیعت - سنت پارک‌سازی و محوطه‌آرایی - پرداخت فضاهاى باز طبیعی	- فرهنگ سنتی - غلبه باورهای طبیعت‌گرایانه - سنت باغ‌سازی و محوطه‌آرایی - پرداخت فضاهاى باز طبیعی	انسان-محیط و طبیعت‌گرایی Connotative meaning

- www.wikipedia.org.
- Jellicoe, Geoffry & Susan, *Landscape of Man*, London: Thames & Hudson, 1998.
- Laurie, Michael, *An Introuction to Landscape Architecture*, New York: Elsevier, 1985.
- Lynch, Kevin, *Site Planning* (2th), Cambridge, 1971.
- Makhzumi, J & G. Pungetti, *Ecological Landscape Design & Planning: the Mediteranean Context*, London: E&FN Spon, 1999.
- McHarg, Ian, *Design with Nature*, John Wiley & Sons, 1995.
- Mosser, Monique & Georges Teyssot, *The History of Garden Design*, T. & Hudson, 1991.
- Motloch, John L., *Introduction to Landscape Design*, VN. Reinhold book, 1991.
- Norberg_ Schulz, Christian, *Genius Loci*, New York: Rizzoli, 1984.
- Olwig, Kennet Roberth, *Landscape, Nature and The Body Politic*, 2002, in www.wikipedia.org.
- Pregill, Philip & Nancy Volkman, *Landscapes in History* (2th), John Wiley & Sons, 1999.
- Scott, Andrew, *Dimension of Sustainability*, London: E&FN Spon, 1998.
- Simonds, John Ormsbee, *Landscape Architecture* (3th), McGraw_ Hill, 1998.
- Short, Lisa & John Rennie, *Cities and Nature*, Routledge, 2008.
- Swaffield, Simon, *Theory in Landscape Architecture*, Philadelphia: PENN, 2002.
- Thompson, Ian H., *Ecology, Community and Delight*, Taylor & Francis Group, 2005.
- www.pajoohe.com
- www.wikipedia.org.
- تقوائی، سیدحسین، طراحی منظر بوم‌گرا در مناطق گرم و خشک ایران؛ الگوی واحه، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، ۱۳۸۳.
- حیبی، سیدمحسن و مرتضی هادی جابری مقدم، «در جستجوی اصول حاکم بر نورپردازی شهری»، در مجله هنرهای زیبا، ش ۲۲ (۱۳۸۴)، ص ۶۶
- حسینی، سیدعلی، «طبیعت و محیط زیست از دیدگاه اسلام»، در سمینار بین‌المللی محیط زیست، دین و فرهنگ، تهران: نشر آیات، ۱۳۸۰.
- رحمتی، انشاءالله، هنر و معنویت، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.
- سجودی، فرزانه، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: علم، ۱۳۸۷.
- ضمیران، محمد، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، تهران: قصه، ۱۳۸۲.
- عاصی، مصطفی، «پردازش دستوری زبان فارسی با رایانه»، در ویژه‌نامه نامه فرهنگستان (ضمیمه دستور)، ش ۱ (اسفند ۱۳۸۳)، ص ۲۹-۵۱.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: فردوس، ۱۳۹۰.
- گلکار، کورش، کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، برای مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ثمین نوین، ۱۳۷۸.
- لکتین، پیتر و مارتین پرایس، عجایب هفت‌گانه در دنیای باستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۸.
- ماتلاک، جان، آشنایی با طراحی محیط و منظر، ترجمه و ناشر سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، ۱۳۷۹.
- مورتی، کریشنا، طبیعت و محیط، ترجمه یکتا جعفری، تهران: مدبر، ۱۳۷۶.
- نصر، سیدحسین، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷.
- واتسیایان، کاپیلا، «طبیعت در هنر شرق»، در ویژه‌نامه همایش بین‌المللی طبیعت در هنر شرق، تهران، ۱۳۸۴.
- Bell, Simon, *Landscape; Pattern, Perception and Process*, London: E&FN Spon, 1999.
- Birksted, Jan, *Relating Architecture to Landscape*, London: E&FN Spon, 1999.
- Bruegel, Pieter, *Peace and Agriculture in a pre-Romantic Ideal Landscape*, in www.wikipedia.org.
- Frank, Jane, *Dorado: An example of aerial landscape art*, in